

شکوه فرهنگ و تمدن ایرانی در چین

داریوش اکبرزاده

چکیده

نخستین پیوندهای میان ایران و چین به روزگاران کهن و به دوره اشکانی برمی گردد. این روابط از دو راه، یعنی از راه "دریای پارس" در جنوب و از "راه ابریشم" در شمال شرق ایران کهن در عمل به پیدایی آمده است. آشکار است که راه ابریشم برای ایرانیان بودایی چون پارتیان و ویژه تر برای سغدیان بس شناخته شده بود.

از این روی شنیدن و خواندن اخبار تازه یافته هایی از فرهنگ و تمدن ایرانی در شرق دور (چین، نیز ژاپن) چندان شگفت انگیز نیست. یکی از شگفت ترین کشفیات سالهای اخیر باستان شناسی در چین، به پیدایی آمدن نقش برجسته "تطهیر آتش" و "آئین سگ دید" زرتشتی است که تنها از راه نوشته های دینی مزدیسنا شناخته شده است؛ دیگری نیز سنگ نوشته جدید دو زبانه سغدی-چینی است. این مقاله به معرفی و بررسی این دو یادگار ارجمند میراث فرهنگی ایران زمین در چین می پردازد.

مقدمه

تاریخ روابط ایران و چین به روزگاران کهن بر می گردد. این روابط از دو راه، یعنی از راه "دریای پارس" در جنوب و "راه ابریشم" در شمال شرق ایران کهن در عمل به پیدایی آمده است (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). آشکار است که راه ابریشم برای ایرانیان بودایی چون پارتیان و ویژه تر برای سغدیان (Vassiere, ۲۰۰۴: ۳۰) بس شناخته شده بود. نخستین پیوندهای میان ایران و چین به روزگار اشکانی (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۷۲) برمی گردد. پیوند میان ایران و چین در روزگار ساسانی به اوج خود رسید. این پیوند تاریخی و فرهنگی از دریچه دو سرچشمه پایان ناپذیر زبان فارسی، یعنی از راه آیین گفتاری و نوشتاری شناخته (Akbarzadeh, ۲۰۰۸: ۷) شده است.

از این روی شنیدن و خواندن اخبار تازه یافته هایی از فرهنگ و تمدن ایرانی در شرق دور (چین و ژاپن) چندان شگفت انگیز نیست. گور نوشته دو زبانه پهلوی-چینی شهزاده خانم ایرانی در چین (استان شانسی) برای پژوهشگران بس شناخته شده است.

با وجود این، پژوهشگران اخیراً گوشه‌هایی نو از شکوه فرهنگ و تمدن ایرانی را دگرباره در چین به جهانیان نمایانده‌اند (Vassiere: ۲۰۰۵)؛ بدبختانه این رخداد شگفتی‌ساز در کشور معرفی نشده است. آنچه در زیر می‌آید، تنها به گوشه‌ای کوچک از این رخداد بزرگ می‌پردازد که شگفت‌ترین قسمت این کشف باستان‌شناسی است؛ پیدایش نقش برجسته "تطهیر آتش" (تصویر: ۲-۱) و بویژه "آیین سگ دید" (تصویر ۴-۳) زرتشتی که پیش از این تنها از راه نوشته‌های دینی مزدیسنا شناخته شده بود و نه از راه یک نقش و یا تصویر، آنهم در شرق دور!

آیین سگ دید یکی از آیین‌های بس مهم در دین مزدیسنا بشمار می‌رود. نویسندگان زرتشتی در جای‌جای یادگارنوشته‌های فقهی و دینی برجای مانده از روزگار ساسانی بدان اشاره دارند. بعبارتی در راندن "نسو" حضوریک "سگ" بایسته بود؛ وجود سگی را در کنار جسد (درگذشته) برای راندن دیوی که بدان نسو می‌گفتند و از واجبات دینی بود، "آیین سگ دید" می‌نامند. در فرگرد هفتم از "وندیداد" اوستا (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۷۲۹) می‌آید:

۳-۱. زرتشت از اهوره مزدا پرسید: ای اهوره مزدا! ای سپندترین مینو! ای دادار جهان استومند! ای اشون!

چون کسی بمیرد، در چه هنگامی دروج "نسو" بر او می‌تازد؟ اهوره مزدا پاسخ داد: ای سپیتمان زرتشت!

بی‌درنگ پس از مرگ، همین که جان از تن جدا شد، دروج نسو به پیکر مگسی همه تن آلوده به آلیشها، از سرزمین‌های اپاختر (شمال) می‌آید و بر تن مرده می‌تازد. او بر تن مرده درنگ می‌کند تا هنگامی که سگ بر آن بنگرد یا آن را بخورد یا پرندگان مردارخوار به سوی آن پرواز کنند. هنگامی که سگ بر آن بنگرد یا آن را بخورد یا پرندگان مردارخوار به سوی آن پرواز کنند، دروج نسو به پیکر مگسی همه تن آلوده به آلیشها، به سرزمین‌های اپاختر، واپس می‌گریزد.

در شایست ناشایست (مزدآپور، ۱۳۶۹: ۸) آمده است که:

۱.čē! Pad sedīgar fragard ī jud-dēw-dād ī mēdyōmāh paydāg kū [ka be zūr gyān dād] andar ān zamān ka gyān be šawēd, ka-š sag-ē andar pāy bast ēstēd; pas-iz nasuš abar ōh dwārēd ud pas ka-š dīd, ā-š nasuš ōh zad.

"هان! در فرگرد سوم جد دیوداد میدیوماه پیدا (است) که در آن زمان که جان (از تن) بشود، اگر سگی در (کنار) پای او (= شخص می‌رنده) بسته باشد؛ پس نیز (چون) نسوش بر (وی) هجوم برد، آنگاه چون (سگ) آن (جسد) را دید، پس نسوش رانده شود."

۱۵. kē nasā pad tan-ē barēd, margarzān; ud ē margarzān pad ān zamān bawēd ka nasā sag-nē-dīd, ud pad čār ud tuwān, a-xwēškārīh jumbēnēd.

"هر که نسا را به تنهایی حمل کند، مرگ ارزان (است) و همانا مرگ ارزان در آن زمان باشد که نسا سگ نادیده را، با (داشتن) چاره و توانایی، بی ضرورت بجنباند."

نه تنها نویسندگان نخستین سده های اسلامی، گزارش های فراوانی از گروه های ایرانی "مجوس" در چین داده اند (مسعودی، ۱۳۴۴:۱۳۵) که داستان گریز "فیروز"، پسر آخرین شاه ساسانی، (به همراه هیاتی از گروه های مختلف) در یادگارنوشته های ساسانی نیز آشکار است (بهار، ۱۳۶۹:۱۴۱)؛ از سوی دیگر بسیاری از دانشمندان نه تنها شهزاده خانم ایرانی مدفون در چین را یکی از بازماندگان همان شاه نگون بخت دانسته اند، که مجموعه "شوسوئین" بدست آمده از "نارا" (پایتخت کهن ژاپن) را نیز بی ارتباط با آخرین تلاش های بازماندگان آن شاه نمی دانند. (Akbarzadek, ۲۰۰۷:۵)

و به این ترتیب اخیرا باستان شناسان بر تاثیر هنر ساسانی-سغدی در نارا مهر تایید زده اند (Sheng, ۲۰۰۵:۱۴۹-۱۵۲)

سنگ نوشته دو زبانه سغدی-چینی (تصویر ۵) یکی دیگر از یادگارهای ارزشمند زبان فارسی است که اخیرا در چین کشف شده (Yoshida, ۲۰۰۵:۵۷) است. این سنگ نوشته از آن یک فرد چینی-سغدی بنام "سرور شی" است. این سنگ نوشته در بالای ورودی درب آرامگاه در اندرون گورگاه کنده شده است. رونوشت سغدی در فضای محدودی از یک تخته سنگ مستطیلی به اندازه ۸۸×۲۳ کنده شده و دارای ۳۲ سطر عمودی کوتاه است. بخش سغدی نوشته آن از وسط شکسته و یک واژه از سطر ۱۴ آسیب دیده و از بین رفته است. افزون تر اینکه، سطح بالایی سطرهای ۱-۷ آسیب دیده و در نتیجه واژه های نخستین از سطر ششم و هفتم خراب شده است. خوشبختانه آنچه که برای سطرهای ۱-۵ رخ داده، قابل بازسازی است و امکان خوانش واژگان شدنی است.

متن:

۱. mz'yxw [t']y z'nw δw'

۲. srδ pr m[w]š srδy prtm y

۳. m'x 'why ۲۳yh KZNH ZY

۴. wm''t (k)šy'n'k kwtr'k

۵. kc''n(')[...]ntk cnn βyp'wr

۶. [tβry](.)rt kc'nc'n'k srtp'w sic

۷. (.)[(t?)pr sywδyk-stn

۸. 'st'm δ'r wyrk'k n'mt ZK

9. wn'wk BRY wn'wk ZK rštβntk
10. srtp'w BRY rty ZKh kty''βr synpyn
11. z't(c)h wy'wsyh n'mt rty wyrk'k
12. sr(t)p'w k'w synpyn pr k's srδ
13. wxwšwmy m'xy 'βtsytyh (x)rγwš'k
14. myδy kty''βr pr'βtw (δ')[rt](r)ty
15. pytsrδ myδ' xwmt'n xwty pr k's
16. srδ p(nc)my m'xw 'βtsyth βγr(w'n)
17. 'krty rty šy ms ZKh kty''βr pr
18. wxwšw-my m'xy 'βtsytsytyh sic xr(γwš'k)
19. myδy βγrw'n 'krth pr 'yδ pcβytk
20. srδ 'yδ m'xw 'yδ myδy rty nyst w'tδ'r
21. 'kytn ''z'y ZKZY 'myδry 'prtk L' ''y rt(y)
22. ms šk'wrδ ZK zw'ntδ'my zmnh 'nw(γ)wth
23. cnn 'prth pyšt 'wn'kw šk'wrtr
24. 'kyt pr mrt(x)m'k δ'my 'yδ srδ 'yδ m'x(y)
25. 'yδ myδ wyr' wδwh prwh L' ptz'n
26. pr''w wy-n'nt ms k'w 'xwštm 'xw
27. pr 'yδ zmn' 'nγwth pr'γw ''(zw)n
28. β'y BLANK
29. 'krty ywn'k snkyn'k βykt'k
30. βr'yšmnβntk δrymtβntk
31. pr'wtβntk ws'n 'BY'(?)
32. m'δryh sc'w wy''kh
33. BLANK

یادداشت^۱

سطر ۶: $[t\beta r y](.)rt$. حرف -r- از -rt- بسی نامشخص است و آنچه را که من به r خوانده ام، به یک -β- پهن می ماند.

سطر ۷: در آغاز این سطر یک سرکش (= ') افقی دیده می شود که به حرف سپسین تر وصل نیست.

سطر ۱۰: هرچند واژه *synpyn* در پایان این سطر فشرده شده است، اما خوانش آن با تکرار در سطر ۱۲ گواهی می شود.

سطر ۱۱: برای آنچه که به $z'tch$ خوانده ام، تنها حرف های -z- و -h به طور یقین هست.

سطر ۱۲: حرف -t- از $srtp'w$ نانوشته است، اما سر و ته آن بشکل یک دایره دیده می شود که می تواند بخش اصلی از آن حرف باشد.

سطر ۱۶: واژه $sr\delta$ بسیار به $sy\delta$ همانند است، اما گمان چنان خوانشی بس دشوار است. هیچ گردی از حرف -p- از واژه $pncmy$ دیده نمی شود.

سطر ۱۷: آنچه را که من به ZKh خوانده ام، به گونه nph یا zph نوشته شده است، اما هیچ کدام در اینجا مفهوم ندارد.

سطر ۱۸: بخش $ywš'k$ از $xrywš'k$ به هیچ کدام از نویسه های سغدی همانند نیست، اما شکل کامل آن پنج نویسه (حرف) را در ذهن تداعی می کند.

سطر ۲۱: به گمانی بتوان y'' را $z'y$ نیز خواند.

سطر ۲۲: حرف γ از $nwywth'$ به هیچ نویسه ای در سغدی همانند نیست. حکاک ظاهرا در مرحله نخست w نوشته و هنگامی که متوجه اشتباه خود شده است، کوشش کرده تا آنرا به γ بدون هیچ توفیقی تغیر دهد. برای شکل درست آن به سطر ۲۷ نگاه کنید.

سطر ۲۴: حرف x از $mrtxm'k$ بدرستی حک نشده است و به c می ماند.

سطر ۲۵: حرف آغازین نوشته شده به $n\delta wh$ یا $z\delta wh$ ، اما این حرف نخستین با افزونه یک گردی به $n/z-$ تغیر یافته است. به گمانی $prwh$ را هم چنین بتوان به $pr(y')h$ خوانش کرد.

^۱ در اینجا از پرفسور یوشیدا که اجازه برداشت و بهره برداری از یادداشت های عالمانه شان را به بنده دادند، سپاسگزاری می شود. هم چنین از استاد دانشمند خانم دکتر زرشناس، استاد سرشناس سغدپژوهی سپاسگزارم که نوشته های این حقیر را از نگاه تیزبین خویش گذراندند.

سطر ۲۶: فرجامین حرف $pr''w$ را به گمانی بتوان به r نیز خوانش کرد. W از آنچه را که من $wy-n'nt$ می خوانم، بنظر می رسد که تصحیح شده از β یا r است.

سطر ۲۷: آخرین واژه این سطر بسی به wzn می ماند، اما بنظر می رسد که zwn مورد نظر بوده است.

سطر ۳۱: برای $'BY$ به ترجمه نگاه کنید.

برگردان:

۳-۱ (در زمان) تای زانگ از چو بزرگ (بود). سال دوم. در ماه نخست از سال موش در (روز) بیست وسوم.

۳-۱۳ پس بود مردی از تخمه کیش، (ساکن؟) در (شهری معروف) به کچان. او (عنوان؟) $sabao$ کچان را از پادشاه (دریافت کرد) (و) بزرگ زاده در سغدستان (بود).

(۸) او ویرکک ($wirkak$) نام داشت، پسر ونک ($wanuk$). ونک پسر سابائو ($sabao$) رشتوندد ($rashtvandak$). زنش متولد $senpen$ بود و نامش $wiyusi$ بود. (۱۱) ویرکک با همسرش در $senpen$ ازدواج کرده بود بسال گراز، در ماه شش، از روز هفتم (که) روز خرگوش (بود).

۱۷-۱۶ آنگاه، خود او در اینجا در خمدان (چانگ آن) درگذشت به سال گراز، در ماه پنجم، از روز هفتم (۱۶ ژوئن ۵۷۹ م).

۱۷-۲۰ و هم چنین زنش به ششمین ماه از روز هفتم، به روز خرگوش درگذشت؛ در این سال، در این ماه، در این روز (۱۵ جولای ۵۷۹ م) مشخص.

۲۸-۲۰ وجود ندارد چنین زنده مخلوقی (آفریده زنده ای) که زاده شود و چنان نمیراد (= هیچ کس را از مرگ گریز نیست). (۲۲) هم چنین به سرانجام بردن یک برهه از زمان در این جهان هستی بسی دشوار است (= بسی فراتر از زمان طبیعی زندگی زیستن دشوار است).

کتابنامه

- بهار، مهرداد: ۱۳۶۹، **بندش (فرنبنغ دادگی)**، تهران: توس.
- دریایی، تورج: ۱۳۸۳، **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- دوستخواه، جلیل: ۱۳۷۱، **اوستا کهن ترین سروده های ایرانیان**، تهران: مروارید.

- دیاکونف، م.م: ۱۳۵۱، **اشکانیان**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

- مزداپور، کتایون: ۱۳۶۹، **شایست ناشایست**، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین: ۱۳۴۴، **مروج الذهب و معادن الجواهر (دو جلد)**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: ترجمه و نشر کتاب.

-Akbarzadeh, D: ۲۰۰۷, **Japan in the Medieval Persian Manuscripts**, ICANAS ۳۸, Ankara, (in print).

-Akbarzadeh, D: ۲۰۰۸, **Korea in the Medieval Persian Manuscripts and Korea-Iran Relations**, KAMES, pp. ۷-۱۴, Seoul.

-Sheng, A: ۲۰۰۵, **From Stone to Silk (: Intercultural Transformation of Funerary Furnishing Among Eastern Asian Peoples around ۴۷۵-۶۵۰ CE)**, Les Sogdiens en Chine, sous la direction de Etienne de la Vassiere, pp. ۱۴۰-۱۷۹. Paris.

-Vassiere, E: ۲۰۰۴, **Histoire des Marchands Sogdiens**, Paris.

-Vassiere, E: ۲۰۰۵, **Les Sogdiens en Chine**, Paris.

-Yoshida, Y: ۲۰۰۵, **The Sogdian Version of the new Xi'an inscription**, Les Sogdiens en Chine, sous la direction de Etienne de la Vassiere, pp. ۵۷-۷۰, Paris.